



آدبیات ایران پیش از اسلام

پروفسور ایلیا گرشویچ
پروفسور مری بویس
ترجمه: دکتر یدالله منصوری

سه گفتار درباره

ادبیات ایران پیش از اسلام

نام کتاب: سه‌گفتار درباره ادبیات ایران پیش از اسلام

نویسنده‌گان: ایلیا گوشویج، مری بویس

مترجم: یدالله منصوری

طراح جلد: نادر جوادی

ناشر: آوای خاور

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست

چاپ: روز

قیمت: جلد شومیز ۲۰۰۰۰ ریال / جلد کالینگور ۳۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-95387-4-4

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است.

مرکز پخش: تهران. بالاتر از میدان ولی‌عصر. کوچه فرخی پلاک ۴۱ واحد ۷.

Mobile: (+98) 930 554 03 08

Tell: (+98) 21 888 956 21

Fax: (+98) 21 364 262 58

www.avayekhavar.ir

ادبیات ایران پیش از اسلام

پروفسور ایلیا گرشویچ

پروفسور مری بویس

ترجمه دکتر یدالله منصوری

(هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

آوای خاور ، تهران ۱۳۹۴

سرشناسه : گرشویچ، ایلیا ۱۹۱۱ - ۲۰۰۱ / Gershevich, Ilya

عنوان و نام پدیدآور : سه گفتار درباره ادبیات ایران پیش از اسلام / ایلیا گرشویچ ، مری بویس ؛

ترجمه یادالله منصوری

مشخصات نشر : آواز خاور ، ۱۳۹۴ .

مشخصات ظاهری : ۱۹۸ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۸۷-۴-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا :

یادداشت : کتاب حاضر در سال ۱۳۷۷ توسط انتشارات فروهر با عنوان «ادبیات دوران ایران باستان» منتشر شده است.

یادداشت : نمایه.

عنوان دیگر : ادبیات ایران دوران باستان.

موضوع : ادبیات ایرانی - پیش از اسلام - تاریخ و نقد

موضوع : ادبیات پهلوی - تاریخ و نقد

شناسه افزوده : بویس، مری، ۱۹۲۰ - ۲۰۰۶ م. / Mary Boyce

شناسه افزوده : منصوری، یادالله ، ۱۳۴۵ - ، مترجم

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۴ الف ۴ گ/ PIR 78

رده‌بندی دیوبی : ۰۰۹ ۰/۰ فا ۸

شماره کتاب‌شناسی ملی : ۴۱۰۵۳۳۲

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۹	- نگاهی گذرا به زندگی علمی گرشویچ (مترجم)
۱۱	- نگاهی گذرا به زندگی علمی بویس (مترجم)
۱۳	گفتار نخست : ادبیات ایرانی باستان (ایلیا گرشویچ)
۱۵	- درآمد
۱۶	- مادی
۱۹	- سکایی
۲۳	- پارسی
۳۴	- اوستایی
۷۰	- کتابنامه و یادداشت‌ها
۷۵	- مؤخره
۷۷	گفتار دوم : ادبیات فارسی میانه (مری بویس)
۷۹	- درآمد
۸۲	- اوستا و زند در دوره ساسانی
۸۹	- نوشه‌های متاخر دینی
۱۰۱	- متون مربوط به مکافه و پیشگویی
۱۰۵	- ادبیات خردگرا (حکمی)
۱۱۱	- شعر غیرتعلیمی

۱۱۴	- نوشتة تاریخی
۱۱۹	- رساله‌های سیاسی
۱۲۰	- کتاب‌های حقوقی
۱۲۱	- آثار منتشر کوتاه تعلیمی
۱۲۴	- فرهنگ‌ها
۱۲۴	- آثار منتشر نمایشی (سرگرم‌کننده و تفریحی)
۱۲۶	- دستنویس‌های ستّی
۱۲۹	- کتاب‌نامه و پانوشت‌ها
۱۵۳	گفتار سوم : ادبیات مانوی در ایرانی میانه (مری بویس).
۱۵۵	- درآمد
۱۵۸	- آثار دینی و شاپورگان
۱۶۲	- آثار منتشر درجه دو
۱۶۶	- سرودها (مزامیر)
۱۶۹	- واژه‌نامه‌ها فهرست‌ها و یک شعر عامیانه
۱۷۱	- کتاب‌نامه و پانوشت
۱۷۵	نمایه

پیش‌گفتار

کتاب حاضر ترجمه‌ای است از سه مقاله ارزشمند از دو ایران‌شناس نامی، یعنی پروفسور ایلیا گرشویچ و پروفسور مری بویس، که هر دو از پژوهندگانی برجسته زبان و ادبیات ایران پیش از اسلام بوده‌اند و آثاری در خوری در این زمینه به نگارش درآورده‌اند.

گفتار نخست به نام «ادبیات ایرانی باستان» از پروفسور گرشویچ، استاد پیشین و فقید مطالعات ایرانی دانشگاه کیمبریج است. ایشان همه آثار ادبی نوشتاری و گفتاری (روایی) بازمانده اوستایی و فارسی باستان و مادی و سکایی باستان را بررسی کرده و نوشته‌ها و منابع مربوط به آن‌ها را با دیدی ژرف و گسترده سنجدیده و گردآوری کرده است.

گفتار دوم به نام «ادبیات فارسی میانه» (پهلوی) و گفتار سوم به نام «ادبیات مانوی در ایرانی میانه» هر دو، اثر گران‌سنگ پروفسور بانو مری بویس، استاد پیشین و فقید مطالعات ایرانی در دانشگاه لندن است. ایشان نیز آثار بازمانده ادبیات ایرانی میانه غربی و مانوی را به‌طور کامل و جامع به یاری اسناد و منابع گوناگون پژوهیده و سنجدیده و در یکجا فراهم آورده است.

از آنجا که تاکنون دست‌کم نیم سده است پژوهش‌های دانشمندان و پژوهندگان ایرانی نیز در زمینه زبان و ادبیات و فرهنگ روزگار پیش از اسلام ایران آغاز گشته و آثاری چند در این درباره ترجمه و یا گردآوری شده‌است، می‌توان گفت که شرح و تفسیر و تحلیل‌هایی که گفتارهای مجموعه حاضر با دید عالمانه بدان پرداخته است،

در آثار موجود به فارسی به چشم نمی‌خورد و هنوز هم جای خالی این‌گونه آثار هویدا است. نکته‌ای که گفتن آن بایسته می‌نماید این است که از زمان تألیف این سه گفتار تاکنون بیش از پنج ده سپری شده است، در طی این سالها، کتابها و مقالات بسیاری در این زمینه تألیف و تدوین یافته و برخی نیز ترجمه شده است. خواست مترجم آن بود که منابع و مأخذ این گفتارها را روزآمد کند، اما بیشتر منابع این حوزه را در کتاب‌نامه کتاب تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام به تألیف استاد شادروان دکتر احمد تفضلی می‌توان یافت، از این‌رو از بازآوردن این منابع، جز در برخی موارد نادر و لازم خودداری شده است.

نکته دیگر این است که، این اثر حدود دو دهه پیشتر و بیشتر (دوران دانشجویی نگارنده) ترجمه شده بود و پس از چند سال بلا تکلیف ماندن در دست ناشر بدون هرگونه ویرایشی علمی و فنی، در سال ۱۳۷۷، تحت عنوان ادبیات ایران دوران باستان با چاپ پُرغلط و نامناسب منتشر شد. باید بگوییم که نگارنده هیچ اعتقادی به صحّت و درستی آن کتاب ندارد، امیدوار است خوانندگان آن کتاب پوزش مترجم را بپذیرند و از بازگفتن ایرادات ترجمة حاضر نیز دریغ نکنند.

در پایان از مدیر فرهنگ‌دست آوای خاور، جناب آقای سلیمان مختاری، برای چاپ و پخش این اثر سپاس‌گزار است.

ید الله منصوری

مشگین شهر (دامنه سرسبز سبلان)

مردادماه ۱۳۹۴ خورشیدی

نگاهی گذرا به زندگی علمی ایلیا گرشویچ

ایلیا گرشویچ ۲۴ اکتبر سال ۱۹۱۴ در زوریخ (سویس) از پدر و مادر روسی تبار دیده به جهان گشود و در ۱۱ آوریل ۲۰۰۱ در کیمبریج (انگلستان) در سن ۸۷ سالگی چشم از جهان فروبست. او استاد فقهاللغه و مطالعات زبان‌های ایرانی بود. از اوان کودکی چند زبانه بود و علاقه وافری به زبان روسی (زبان مادری خود) داشت. در سال ۱۹۳۳ وارد دانشگاه رُم شد و تحصیل در فقهاللغه تاریخی و تطبیقی (زبان‌شناسی تاریخی) را در پیش گرفت. پس از اتمام دکترای خود، در سال ۱۹۳۸ به انگلستان رفت.

هنگامی که او وارد انگلستان شد، قصد داشت فقط سه ماه در آنجا اقامت کند. ولی تا آخر عمر در آنجا ماندگار شد. تحصیلات بعدی خود را به راهنمایی هینینگ، که فقط شش سال از او بزرگتر بود، در مدرسه مطالعات زبان‌های شرقی (SOS) لندن آغاز کرد. در سال ۱۹۴۳، از رساله دکتری خود تحت عنوان دستور زبان سعدی مانوی دفاع کرد و در سال ۱۹۵۴ آن را انتشار داد. در سال ۱۹۴۸ او نخستین مدرب مطالعات ایرانی در دانشگاه کیمبریج شد. برنامه درسی خود را دست‌کم در هفت زبان ایرانی تنظیم کرد. زبان ختنی (سکایی) را از همکار و استادش پروفسور هارولد بیلسی (استاد زبان سنسکریت و اُستی) آموخت. در مطالعات اوستایی خود تحقیق عالمانه‌ای تحت عنوان سرود اوستایی میترا نوشت و در سال ۱۹۵۹ آن را به دست چاپ سبرد.

او بر این باور بود که برای پژوهش و بررسی زبان‌های ایرانی، بایستی با زبان‌های ایرانی کنونی نیز آشنایی پیدا کرد. از این رو، در سال ۱۹۵۶ به همراه همسرش (Elisabeth) به ایران آمد. به مدت سه ماه در بشاغرد، ناحیه‌ای در غرب مکران (در استان هرمزگان کنونی) میهمان شد.

یادداشت‌های کافی در مورد گویش آنجا گردآوری کرد. ولی متأسفانه هرگز زمان نیافت تا گزارش کاملی درباره آن گویش منتشر کند. کار ارزشمند دیگری که او نتوانست به صورت کامل به دست چاپ بسپارد، سخنرانی بوده است که در رتبای کاتراک در آکسفورد به سال ۱۹۶۸ انجام داده بود. هم چنین او برای مطالعه درباره دستگاه اداری امپراتوری پارسی سدهٔ ششم پیش از میلاد، به بررسی زبان فارسی باستان پرداخت. در واقع از او هرگز کتاب دیگری منتشر نگردید. سرانجام گزیدهٔ مقالات او تحت عنوان *فقه‌اللغة ایرانی*، به کوشش یکی از شاگردانش، سیمزولیامز، در سال ۱۹۸۵ انتشار یافت.

گرشویچ مورد توجه مجتمع علمی و دانشگاهی واقع شد. دانشگاه برن به او دکترای افتخاری داد. در سال ۱۹۶۷ عضو آکادمی بریتانیا شد. همزمان با آن، عضو خارجی آکادمی چند کشور دیگر نیز بود. از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴، به مدت چهار سال ریاست «انجمن زبان شناسی (فقه‌اللغه)» را بر عهده گرفت. او در زندگی علمی خود بیشتر راغب بود به نگارش مقاله بپردازد و اغلب مقالات خود را کوتاه می‌نوشت. گرشویچ پس از اقامت در انگلستان، همواره تحقیقات خود را به زبان انگلیسی به رشتۀ تحریر درمی‌آورد.

زبان مقالات او پیچیده و دشوار و سخت عالمانه است. شاید چند زبانه بودن او در این کار بی‌تأثیر نباشد. از گرشویچ مقاله‌ای به نام «ادبیات باکتریایی» (بلخی) در تاریخ ایران کیمبریچ به فارسی ترجمه شده است و همین طور جلد اول و دوم تاریخ کیمبریچ زیر نظر او تدوین یافته و اخیراً هم به فارسی ترجمه شده است. برای فهرست آثار گرشویچ به مقدمه کتاب *فقه‌اللغة ایرانی* (مجموعه مقالات) او به قلم سیمزولیامز مراجعه شود.

نگاهی گذرا به زندگی علمی مری بویس

نورا الیزابت مری بویس دوم ماه اگوست سال ۱۹۲۰ در دارجلینگ هند، از پدر و مادر انگلیسی چشم به جهان گشود و چهارم ماه آوریل سال ۲۰۰۶ در سن ۸۵ سالگی در لندن چشم از جهان فروبست. پدر او حقوق دان انگلیسی بود که در دادگاه عالی کلکته هند کار می‌کرد. بویس تحصیلات مقدماتی خود را در دیبرستان ویمبلدن، جنوب غربی لندن، به پایان رساند. در کالج نیونهام دانشگاه کیمبریج، در دو رشته ادبیات انگلیسی و باستان‌شناسی – مردم‌شناسی با یک سال اختلاف فارغ التحصیل شد. در سال ۱۹۴۴ به کالج دانشکده سلطنتی دانشگاه لندن پیوست و تا سال ۱۹۴۶ ادبیات انگلوساکسون و باستان‌شناسی تدریس می‌کرد.

از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ او زبان فارسی را زیر نظر ولا دیمیر مینورسکی (دانشمند روسی‌تبار) در مدرسه مطالعات زبان‌های شرقی و افریقایی (SAOS) در دانشگاه لندن آموخت و در آنجا با والتر برنو هنینگ، استاد و مشاور آینده خود، آشنا شد و زیر نظر او آموزش زبان‌های ایرانی میانه را آغاز کرد. در سال ۱۹۴۸ به عنوان مدرس مطالعات ایرانی در مدرسه مطالعات زبان‌های شرقی و افریقایی، به عنوان متخصص در متون مانوی و فارسی میانه زرده‌شده و پارتی مشغول به کار شد. پنج سال بعد، در سال ۱۹۵۲ از دانشگاه کیمبریج دکترای خود را دریافت کرد. رساله دکترای او تحت عنوان سروド پارتی مانوی در سال ۱۹۵۴ منتشر شد.

بویس در مدرسه مطالعات زبان‌های شرقی و افریقایی به عنوان استادیار (۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱) پذیرفته شد و سرانجام پس از مهاجرت هنینگ به دانشگاه کالیفرنیا در بریکلی، او استاد تمام مطالعات ایرانی گردید و تا سال ۱۹۸۲ در همان مقام باقی ماند و سرانجام بازنشسته شد و تا زمان مرگش (سال ۲۰۰۶) به عنوان پروفسور مدعو پژوهشی و تحقیقاتی، همکاری خود را با آن دانشگاه ادامه داد.

بویس در کنار زبان‌های ایرانی میانه مانوی و زرده‌شته، متخصص بر جسته دین زرده‌شته بود و عضو چند انجمن و مجامع علمی و آکادمی معروف جهان شد. عضو انجمن سلطنتی آسیایی و عضو افتخاری انجمن خاورشناسی امریکایی و عضو آکادمی سلطنتی علوم و ادبیات دانمارک و نخستین منشی و خزانه‌دار «مجموعه کتبیه‌های ایرانی» و عضو هیئت تحریریه مجله Asia Major و از نویسنده‌گان دانشنامه ایرانیکا و مجله مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی و ژورنال انجمن خاورشناسی آمریکایی نیز بود. در سال ۱۹۸۵، دو جلد از مجلدات مجموعه ارزشمند اکتا ایرانیکا (جلد ۲۴ و ۲۵) تحت عنوان «مقالاتی به افتخار پروفسور مری بویس» به بزرگداشت این بانوی دانشمند انتشار یافته است.

در سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۴ مطالعات خود را در میان زرده‌شیان، در ۲۵ روستای استان یزد سپری کرد. پس از چندی در سال ۱۹۷۵ حاصل تحقیقات خود را در رتبای کاتراک (آکسفورد) طی چند سخنرانی ارائه داد. در همان سال، نخستین جلد کتاب تاریخ کیش زرده‌شته را منتشر کرد. سخنرانی‌های او در سال ۱۹۷۷ تحت عنوان «پناهگاه ایرانی کیش زرده‌شته» چاپ شد. در ۱۹۷۹ کتاب زرده‌شیان، باورها و آداب دینی آن‌ها انتشار یافت. جلد دوم تاریخ کیش زرده‌شته در سال ۱۹۸۲ و جلد سوم آن در ۱۹۹۱ با همکاری فرانتر گرینه منتشر شد. در سال ۱۹۹۲ او کتاب زرده‌شیان، وضعیت کهن و ادامه‌دار، بخشی از سخنرانی خود را درباره مطالعات ایرانی، که در کلمبیا به سال ۱۹۸۵ انجام داده بود، به چاپ رساند. بیشتر آثار او بارها با تجدید نظر تجدید چاپ شده است. درسنامه فارسی میانه مانوی و پارسی (در جلد نهم اکتا ایرانیکا)، ۱۹۷۸ و منابع منسی مطالعات زرده‌شته، ۱۹۸۴. در ادامه انتشار تاریخ کیش زرده‌شته او در جلد‌های ۵ تا ۷ نیز با ویرایش آلبرت د جونگ (Albert de Jong) به بازار نشر خواهد آمد.

بویس دارای مقالات علمی فراوانی است که دو نمونه از این مقالات پربار در این مجموعه ترجمه شده است. برخی از آثار او به فارسی ترجمه گردیده است. این آثار برای خوانندگان متخصص و علاقمند ایرانی نام آشنا هستند. برای فهرست آثار مری بویس به مجموعه اکتا ایرانیکا، جلد ۲۴ مراجعه شود.

گفتار نخست

ادبیات ایرانی باستان^۱

پروفسور ایلیا گرشویچ

^۱ Gershevitch Ilya, ‘Old Iranian Literature’, *IRANISTIK* (Literatur) Leidn / Köln, 1968, pp. 1-30. (= Handbuch der Orientalistik, Abt. 1, Bd. IV, Abschn. 2, Lfg. 1)

درآمد

﴿ اصطلاح «ایرانی » از واژه آریانه (صفت)، یعنی «آریایی»، مشتق شده است، که خود «آریانه» مترادف است با «آریه». در نیمة نخست هزاره اول پیش از میلاد، گروهی از اقوام آریایی شعبه هندواروپایی در سرزمینی ساکن شدند که به سبب تصرف آنان، «ایران» خوانده شد. در کنار این گروه از ایرانیان، سکاهای بیابانگرد را نیز باید جزو این گروه بهشمار آورد؛ اگرچه سکاهای، جز تاخت و تازهای پراکنده به فلات ایران، بیشتر بیرون از قلمرو ایران ساکن بودند.

هرچند آریانه به معنی «ایرانی» است، ولی اصطلاح نوساخته «هندوآریایی»، اخیراً به وجود آمده است و به آن گروه از آریاییان گفته می‌شود که به سرزمین پنجاب رفتند و ادبیات ریگ‌ودایی را پدید آوردن.^۱

پیوند نزدیک میان ایرانیان و هندوآریاییان به‌آسانی قابل تشخیص است، هر دو گروه در کنار هم، شاخه هندوایرانی را از شعبه مردمان هندواروپایی به وجود آورده بودند. نوشتۀ حاضر مربوط است به فعالیت ادبی، شامل «ادبیات شفاهی» مادها، سکاهای، پارسیان آغازین و گویشوران زبان اوستایی، تا جایی که آثار ادبی از آنان بازمانده باشد، یا در منابع کهن بدان‌ها اشاره شده باشد. تعیین هویت نزد مردمان ایرانی به نتایج به‌دست آمده درباره مادها بستگی دارد؛ مطابق گزارش هرودوت^۱ (کتاب هفتم، بند ۶۲) که می‌نویسد آن‌ها (قوم ماد) عموماً «آریایی» خوانده می‌شدند. چنان‌که داریوش خود را به عنوان یک پارسی، آریایی و آریانزاد می‌نامد (کتیبه نقش رستم، س ۱۴). در برابر آن، گویشوران اوستایی با توجه به نام

^۱ Herodotus ، مورخ یونانی (۴۸۴ – ۴۲۵ پ.م.) از مردم هالیکارناس، شهر یونانی نشین آسیای کوچک.م.

کهن سرزمین‌شان، ایرانویج «یعنی، از سرزمین ایران» قرار دارند. سکاها، همان‌گونه‌ای که این نام برای اسکوثرها به کار می‌رود (قس. هروdot، کتاب هفتم، بند ۶۴)، سرمته‌ها، آلانها و برخی گروه‌های بادیهنشین در آسیای مرکزی خود را ایرانی می‌دانستند؛ بدین سبب که: نخست، نیاکان آنان در آسیای مرکزی (در ختن و تُمشق) به قفقازی (زبان آستَنی) سخن می‌گفتند و عموماً به زبان‌های ایرانی گفتگو می‌کردند. دوم، نام و القابِ برخی مردمان سکایی و شماری بسیاری سرمتی، به روشنی ایرانی است. و سوم، مردمان آلانی نام، نیاکان بلافصل آستَنی‌ها، بی‌شک می‌توانند رد پایی از نژاد آریایی داشته باشند. البته، احتمال دارد که دیگر مردمان ایرانی نیز، دست‌کم در قالب گفتاری و شفاهی «انواع ادبی» پدید آورده باشند. بایستی گمان کرد که سُعدیان و یا پارتیان، هر دو فعالیت ادبی همسانی در روزگاران ایرانی دوره میانه به نمایش گذاشتند؛ همچنین باختریان (بلخی‌ها) و یا گویشوران زبان ایرانی که گویا به کامبوژها^۱ در کتبیه تازه به دست آمده اشوکا^۲ در قندهار^۳ اشاره کرده‌اند، فعالیت ادبی داشتند. با وجود این، به سبب کمبود اطلاعات، سرگذشت این مردمان در این بررسی کوتاه ممکن نیست.

مادی

﴿۲ هیچ‌گونه اسناد و مدارک مکتوبی به زبان مادی و سکایی باستان به دست نیامده است؛ و تاکنون روش نیست که آیا این دو زبان به نگارش درآمده بودند یا نه. در روزگاران هخامنشی بایگانی‌ها و آرشیوها هم در تخت جمشید

Kambojan^۱، از منابع هندی بر می‌آید که اینان ایرانیان زردشتی بودند، در فرمان‌های پیشی اشوکا Ašoka^۲ (۲۳۹ – ۲۹۸)، سومین پادشاه موریایی، از کامبوژها به عنوان یکی از مردم ساکن شمال غرب هندوستان همراه با قندهاری‌ها و یونانی‌ها نام برده شده است. م.
Ašoka^۳، یکی از پادشاهان سلسله موریا در هند (پادشاهی ۲۶۴ – ۲۲۷ پ.م.)،
Kandahār^۴

(پرسپولیس)، شوش و بابل نگاهداری می‌شدند، و هم در اکباتان (همدان) پایتخت ماد (قس. کتاب ششم، عزرا^۱، بند ۲). با وجود این همه احتمالات، بایگانی‌هایی که حکومت ماد نگاهداری می‌کرد، بدین معنا نیست که همه اسناد این بایگانی‌ها به زبان مادی نگارش یافته بوده است. هرودوت (کتاب اول، بند ۱۰۰) گزارش می‌دهد دیاکو، که به طرق گوناگون در سده هشتم پیش از میلاد مدت طولانی فرمانروایی داشته، اعلام کرده بود که داوری و دادرسی درباره کارها و امور گوناگون به صورت نوشته بدو ارائه شود. هرچند این گفتار نیز بدین معنا و مفهوم نیست که خط بیگانه در میان آنان رواج داشته و می‌بایست آن را به زبان مادی برای فرمانروای خوانده‌اند. آن‌ها خلاصه امور خواهان و خوانده (شاکی و متهم) را به زبان خودشان یادداشت می‌کردند. (درباره کارنامه هخامنشی، قس. ۵، §۵)

دیاکونوف^۲ گمان می‌کند که مادها خط میخی فارسی باستان را بیشتر در موارد خاصی به کار می‌بردند. از این‌رو ترجمه گفتار داریوش را در بیستون، سطر ۷۰ بایستی در نظر داشت. با توجه به این نمونه، این پادشاه برای نخستین بار به «زبان ایرانی» کتیبه‌ای نویسانده است. قس. ۶، §۴. دینون^۳ از شاعران دربار ماد (ওððoi)^۴ در نیمة نخست سده ششم پیش از میلاد گزارشی دارد که این شاعران موضوع و مفاهیم شعر خود را از یک گونه نمایش سنتی (είθισμένα) به دست می‌آورند. چنان‌که کتزیاس نمونه‌های داستان حماسی مادی را به تصویر می‌کشد، این داستان‌ها گزارش رویدادهایی است که به استقرار برتری و تسلط

^۱ Ezra، نام اثر و نام نویسنده اثر؛ عزرا، کاهن و رهبر عبرانیان و نویسنده دینی یهود سده پنجم پ.م.، گریا همه کتب عهد عتیق را او گردآوری کرده، و کتاب معروف عزرا را به نگارش درآورده بوده است. م.

^۲ I. M. Diakonov، خاورشناس نامی روسی (۱۹۱۵-۱۹۹۹)، و نویسنده کتاب تاریخ ماد (چاپ ۱۹۵۶). م.

^۳ Dinon، تاریخ‌نگار یونانی سده چهارب.م.، هم روزگار فلیپ مقدونی. م.

^۴ ððoi «سراینده و شاعر». م.
^۵ είθισμένα «نمایشی سنتی». م.

مادها منجر می‌شود، تفسیر و تعبیر وی از داستان پارسوندس^۱ پارسی نیز چنین است: او که توسط نناروس^۲ فرمانروای بابلی اسیر شد، در مسائل عاطفی رفتار زنانه داشته است.^۳ سرور مادی وی، آرتئوس^۴، فرمانروای ماد، او را آزاد می‌سازد، آنگاه او به سوی کادوسیان^۵ می‌رود، و آن‌ها را در شکست فراگیر مادها رهبری می‌کند. شاید داستان به طور طبیعی به حماسه پارسی تعلق داشته باشد (قس. ۱۵§)؛ درست همانند داستان عاشقانه زریادرس^۶ و اداتیس^۷، که خارس میتلنی^۸ به عنوان یک قصه پارسی بازگو می‌کند. به عقیده مری بویس این داستان، گونه‌ای افسانه مادی در راستای آینه‌ایزد نرینه و بیگانه مهر و دوستی (گویا آناهیتا) است. داستان عاشقانه‌ای است که در منابع دیگر هم یافت می‌شود، ولی کتزیاس آن را با شور و شوق فراوان بیان می‌کند^۹ (به نقل از دیمتیروس فالرثوس 213 §)؛ این داستان برگرفته از شخصی به نام استریانگوس^{۱۰} مادی است. او به شهبانوی سکایی، زرینیا^{۱۱}، عشق ورزید، در خواستگاری خود از او شکست خورد و زندگی‌اش را تباہ کرد. دینون قطعه شعری را از آنگارس^{۱۲} نقل می‌کند؛ شناخته‌ترین سرودی (ωδοί) که درباره آستیاگ سروده شده، نشان می‌دهد شاعر

^۱ Parsondes، نام مردی از پارس م.

^۲ Nanaros

^۳ بدین سبب که فرمانروای بابل (نناروس) او را هفت سال در جامه زنانه زندانی کرده بوده است. م.

^۴ Artaeus

^۵ Kadusioi

^۶ Zariadires

^۷ Odatis

^۸ Chares of Mytilene

^۹ Demetrius Phalereus

^{۱۰} Stryangaios

^{۱۱} Zarinaia

^{۱۲} Angares، خییاگر نامور مادی که در سور و میهانی آستیاگ شعر و آواز می‌خواند. م.